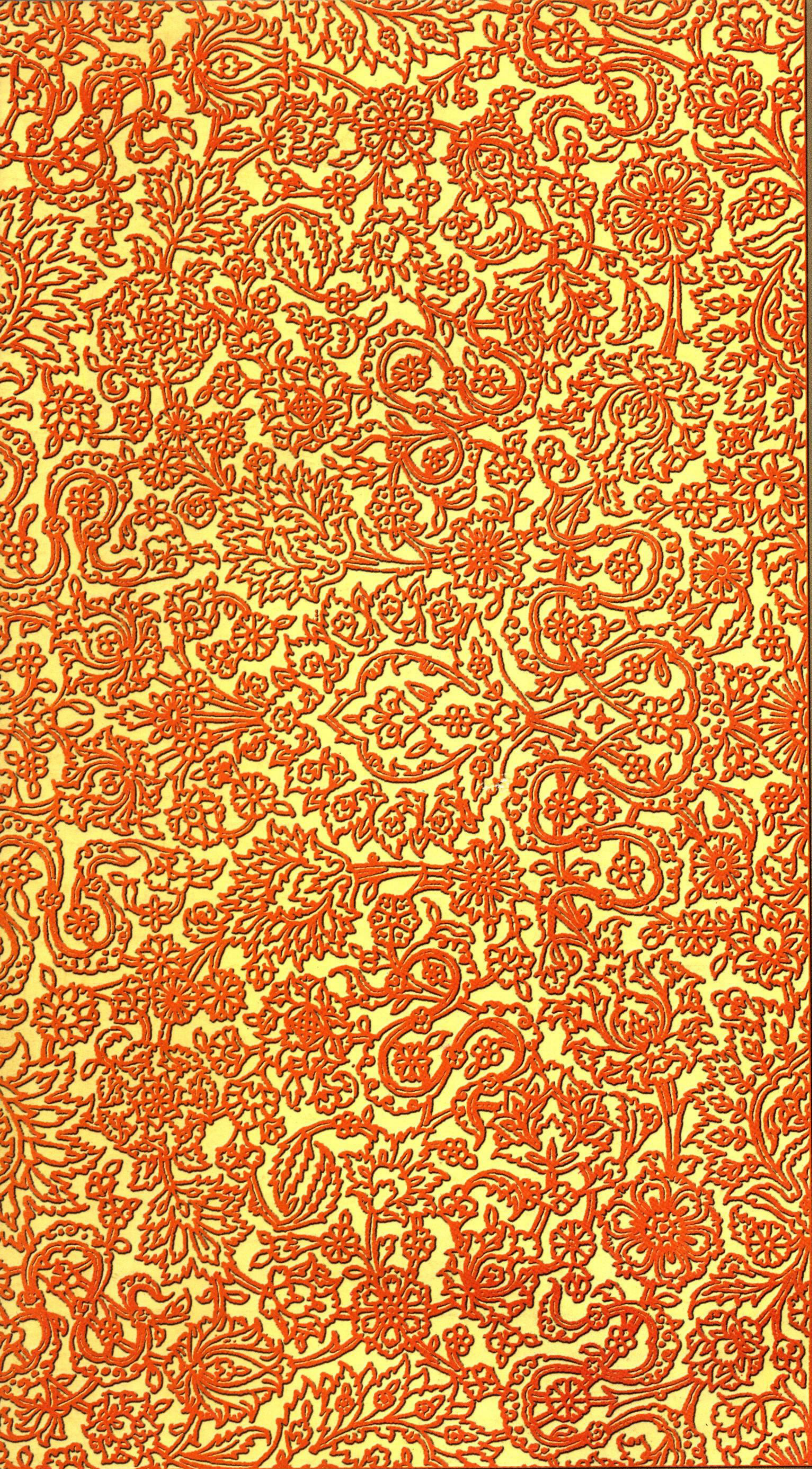
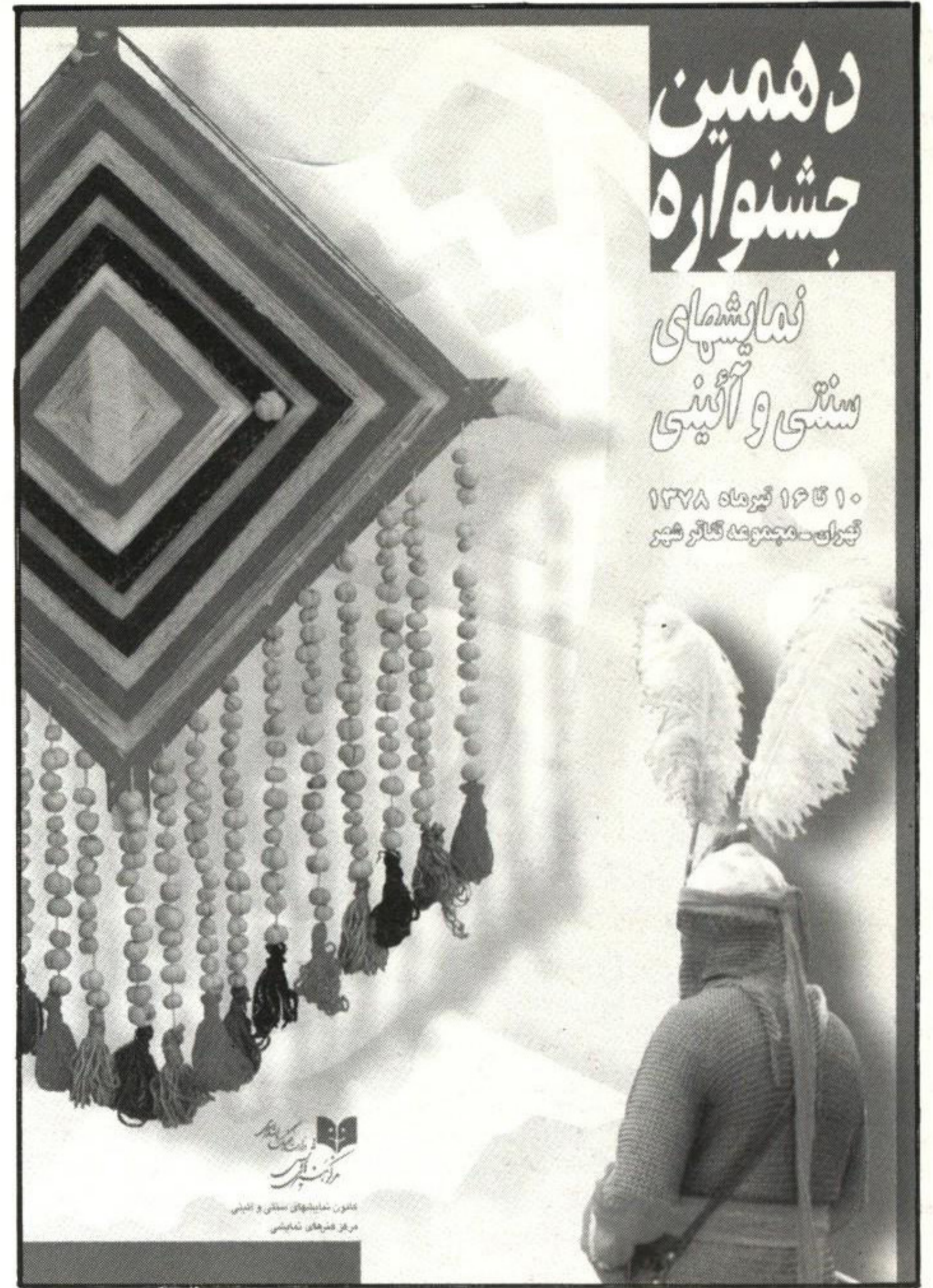


نمایشگاه

ویژه دهمین جشنواره
نمایشهای سنتی و آئینی
۱۰ تا ۱۶ تیر ماه ۱۳۷۸



دفتر نشر و توزیع
مرکز اسناد و کتابخانه ملی



نمایش

ویژه دهمین جشنواره نمایشهای سنتی و آئینی

۱۰ تا ۱۶ تیر ماه ۱۳۷۸

- | | |
|-------------------|--|
| □ سردبیر | : لاله تقیان |
| □ طراح و مدیر فنی | : انوشیروان میرزائی کوچکسرائی |
| □ مدیر اجرایی | : اسماعیل فلاح خیر |
| □ حروفچینی | : فرزانه سرمدی |
| □ صفحه‌آرایی | : فاطمه شفیعی |
| □ مصحح | : طاهره رستمی |
| □ عکاس | : فتانه دادخواه، اختر تاجیک |
| □ لیتوگرافی | : جهاد دانشگاهی (واحد هنر) |
| □ چاپ | : شرکت چاپ نخستین |
| □ همکاران | : علی‌اصغر دشتی، جهانگیر اشرفی، حسن دولت‌آبادی، علیرضا احمدزاده، محمدحسین ناصر بخت، هادی حیدری، سیدوحید ترحمی مقدم، داود فتحعلی بیگی |

مقالات منتشره الزاماً نظرات مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست. نقل مطالب و عکسها با ذکر مأخذ آزاد است. «نمایش» در چاپ و ویرایش مقالات و مطالب وارده مختار است. مقالات رسیده به هیچوجه مسترد نخواهد شد. نشریه‌ای از: ستاد برگزاری دهمین جشنواره نمایشهای سنتی و آئینی
نشانی: خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار (ارفع)، تالار وحدت، انتشارات نمایش. تلفن: ۶۷۰۸۸۶۱ و ۵-۶۷۰۵۱۰۱



آغاز دهمین جشنواره نمایشهای آئینی و سنتی

امروز دهمین جشنواره نمایشهای سنتی و آئینی را آغاز می‌کنیم و طبیعتاً به گذشته می‌نگریم تا بتوانیم تلاش برگزار کنندگان آن را در رسیدن به اهداف جشنواره بهتر ارزیابی کنیم. در نهمین جشنواره نیز این نکته را مطرح کردیم و امسال با تفاوت‌هایی بار دیگر آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جشنواره نمایشهای سنتی و آئینی با همت و پشتکار کانون نمایشهای سنتی و آئینی همواره دو هدف اساسی و مهم را دنبال کرده است. نخست حفظ آندسته از سنت‌های نمایشی که می‌تواند ارزش‌های هنری خود را به عنوان هنری خلاق و زنده در هر زمان به نمایش بگذارد، و دوم کوشش برای شناخت کاربردهای آن در تئاتر امروز ایران. بسیاری موارد دیگر نیز بوده است که در پیمودن این راه و برحسب نیاز مورد توجه قرار گرفتند. به ویژه پژوهش در زمینه ریشه‌یابی این سنت‌های نمایشی یا شناساندن برخی آئین‌ها که به دلیل جنبه‌های تصویری قدرتمند می‌توانند در آثار نمایشی کاربرد داشته باشند. و مهمتر از آنها ارزشگذاری به آنها در سطح علوم دانشگاهی بوده است.

اما در راه رسیدن به این اهداف چه کرده‌ایم. نخست یادآور می‌شویم که این فعالیت‌ها در مرکز هنرهای نمایشی از سال ۶۶ و با گشایش دفتر پژوهش‌های تئاتری و کانون نمایش‌های سنتی و آئینی بسیار جدی تلقی شد و این دو بخش با همکاری نزدیک به گردآوری اسناد، شناسایی گروه‌ها و پژوهش در این موارد پرداخت. نتیجه این همکاری نیز گردآوری نسخ متعدد از تعزیه‌نامه‌ها، کتابها، مقالات، عکس‌ها و دیگر اسناد مربوط به سه نمایش سنتی "تعزیه"، "تخت حوضی" و "خیمه‌شب بازی" بود که برخی از آنها در

فصلنامه تئاتر به صورت مقالات پژوهشی به چاپ رسید و برخی نسخ تعزیه در دو مجلد دفترهای تعزیه انتشار یافت و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. همچنین با همراهی واحد تلویزیونی مرکز هنرهای نمایشی بسیاری از اجراهای تعزیه، تخت حوضی و خیمه‌شب بازی ضبط شد که هم اکنون این اسناد مورد بررسی پژوهشگران است.

هر چند این کوشش‌ها ادامه دارد و هنوز ما به تمامی خواست‌های خود دست نیافته‌ایم، اما باید به صراحت بگوئیم که در یکی دو سال اخیر و با حمایت مسئولان مرکز هنرهای نمایشی کم و بیش ثمره استمرار در این فعالیت‌ها و برگزاری جشنواره نمایش‌های سنتی و آئینی برایمان روشن تر شده است. در سال گذشته با همت کانون نمایش‌های سنتی و آئینی کارگاه‌های عملی نقالی و خیمه‌شب بازی راه اندازی شد که نتیجه آن حضور گروه‌های جوان خیمه‌شب باز و مسابقه نقالی در این جشنواره است. همچنین بر خلاف سالهای آغازین جشنواره امروز توجه خاص مطبوعات، منتقدان و نویسندگان نسبت به این هنرها قابل تأمل است. تعداد پایان‌نامه‌های دانشجویان که در این زمینه به پژوهش می‌پردازند چندین برابر شده و بار دیگر انتشار دفترهای تعزیه استمرار می‌یابد و مهمتر از همه اقدامات اولیه برای ایجاد دفتر پژوهش تعزیه و تهیه آرشیو گسترده‌ای برای آن انجام شده که از این پس همه علاقه‌مندان به پژوهش بتوانند از آنها استفاده کنند. با این امید که سالهای بعد قدم‌های بزرگتری برداریم.

سردبیر



فهرست

- آغاز دهمین جشنواره نمایشهای آئینی و سنتی ۳
- نمایش تخت حوضی - علی نصیریان ۴
- به تحول این هنر بیاندیشیم - علی اصغر دشتی ۶
- شالوده‌شکنی بهرام بیضایی ۹
- - علیرضا احمدزاده ۹
- تلفیق نقالی و تعزیه ۹
- جشنواره و محل برخورد اندیشه‌ها - وحید ترحمی ۱۰

نمایش تخت حوضی

علی نصیریان



نمایش هاس سنتی ایران به دو بخش عمده تقسیم می‌شود:

نمایش‌های غم‌انگیز مذهبی "تعزیه" یا "شبییه خوانی" و شکل محدودتر آن "پرده داری" که توسط یک نفر با نشان دادن شمایل معصومین و مظلومین وقایع کربلا که روی پرده‌ای نقش شده ذکر مصیبت می‌شود.

و نمایش‌های شادی آور که به اهمیت تعزیه نیست و متن شرح و ضبط و ربط شده‌ای ندارد، جز متن "بقال بازی در حضور" نمایشی طنزآمیز که در اواخر دروه ناصرالدین شاه در دربار نمایش می‌دادند و خیمه شب بازی.

عمده‌ترین شکل نمایش‌های سنتی شادی آور نمایش تخت حوضی یا روی حوضی است که در اعیاد و جشن‌های عروسی و ختنه سوران و مهمانی‌های بزرگ روی حوض حیاط منازل بازی می‌شده.

روی حوض را با تخته و الوار می‌پوشاندند و فرش می‌کردند و برای بازیگران و رقاصان صحنه بازی می‌ساختند. به همین مناسبت این نمایش‌ها به تخت حوضی یا روی حوضی معروف شدند و مانند تعزیه، نقالی و معرکه‌گیری در میان تماشاگران بازی می‌شده.

این نمایش‌ها که به خاطر نیاز مردم به شادی و سرگرمی به وجود آمده، همیشه با هجو کردن و زبان تند و تیز و گاه دریده و بی پروا، ادا و اطور، رقص و ساز و آواز، شعر و بحر طویل‌های عامیانه همراه بوده. یعنی از همه امکانات و استعداد‌های صوتی، بدنی و ذوقی بازیگران برای ایجاد شادی و شادمانی و سرگرمی استفاده می‌شده.

شخصیت‌های بازی در این نمایش‌ها

تماشاگر این نمایش‌ها نظیر تماشاگر تعزیه با این تمهیدها آشنا بوده و آن‌ها را می‌پذیرفته. شیوه اجرا حتی لباس و آرایش شکلی غلو شده و نمایشی داشته چرا که نمایش در مقابل زندگی رنگین و آهنگین و پر رمز و رازست. به عبارت دیگر:

تقلیدی مبالغه‌آمیز از زندگی‌ست، از آدم‌هاست، گونه‌ای روایت است، روایت طنزی گزنده، گوئی خست، تعصب، نادانی، سالوس و ریا ... و سایر ضعف‌های بشری را بازیگر تقلید می‌کند و با شکلی اغراق‌آمیز نمایش می‌دهد. آن قدر اغراق‌آمیز که خود از او جدا می‌شود و به شکل روایت‌گر نقش در می‌آید و طوری نمایش می‌دهد که انگار با نقش خود شوخی می‌کند! او را دست می‌اندازد. به همین دلیل، خود را از نقش جدا می‌کند. بازیگر گویی زندگی و نقطه ضعف‌های آدمیزاد را دست مایه و مستمسک بازی و خندانند

کلیشه‌های از پیش آماده هستند مثل:

سیاه، شلی، حاجی، زن‌پوش، شاه‌پوش، جوان‌پوش، دهاتی با لهجه‌های کاشی، قزوینی، نهاوندی و غیره ... هر بازیگر در نقش خاصی تخصص داشته یا بنا به ضرورت در دو نقش جا می‌افتاده و ظاهر می‌شده.

قصه‌های نمایش محدود بوده و قبلاً مشخص می‌شده و قرار و مدارهای نمایشی گذاشته می‌شده، حتی بنا به اصطلاح خودشان "پراتیک" هم می‌کرده‌اند. ولی، روی حوض بدیهه‌سرایی می‌کردند و جا به جا می‌پراندند و اغلب به‌جا و دلنشین.

قید زمان و مکان و موضوع نداشته‌اند و با شیوه و تمهیدهای ساده، نمایشی نظیر حرکت از سوئی به سوئی یا دور زدن یا خواندن بیت‌ی شعر یا داخل و خارج شدن از صحنه، زمان و مکان و موضوع را به راحتی تغییر می‌داده‌اند.

قرار می‌دهد.

شکل‌گیری این نمایش‌ها از تقلیدهای تک نفره سرچشمه گرفته، افراد با استعدادی پیدا شده‌اند که در مزه پرانی، مناسب‌گویی، تقلید ادا و اطوار و لحن و لهجه دیگران سر آمد بوده‌اند و با در آوردن نوای کسانی که ظرفیت "تقلید شدن" داشته‌اند اطرافیان را می‌خندانده‌اند.

ریشه بسیاری از شخصیت‌های نمایش‌های تخت حوضی از همین تقلیدهای تک نفره آب خورده نظیر نقش سیاه.

بسیاری نمی‌دانند سیاه کسیت؟

چرا سیاه است؟!

چرا از نقش‌های مهم این بازی‌ها، فکاهی

است؟!

"ذبیح الله ماهری"، "ذبیح زرگر" یا "ذبیح سیاه" از پیش کسوتان و بازیگران نامدار نقش سیاه در مورد خلق این شخصیت می‌گوید:

"من در دربار شاگرد زرگر بودم. ضمن کار، خواجه‌های سیاه را که رفت و آمد می‌کردند تماشا می‌کردم. طرز حرف زدن، لحن و لهجه، حرکات سر، چشم، لب، دهان، دست و پای آن‌ها خنده آور بود! چون این غلامان آفریقایی حتی پس از سال‌ها اقامت در ایران زبان فارسی را درست نمی‌دانستند و بد حرف می‌زدند و لهجه داشتند. کلمات را عوضی می‌گفتند و عوضی می‌فهمیدند! همچنین، فضول و پرتوقع بودند و در هر کاری دخالت می‌کردند! نخود هر آشی می‌شدند و در نتیجه، موقعیت‌های خنده آوری بوجود می‌آوردند. من در فرصت‌های مناسب ادای آنها را در می‌آوردم و دیگران را می‌خنداندم. همین‌نوا در آوردن‌ها پایه کار من در بازی نقش سیاه روی تخت حوض شد. حتی ادای سیاه‌های مختلف را در می‌آوردم. چند جور تیپ، با لحن و لهجه و ادا و اطوار متفاوت.

بعضی وقت‌ها هم بازیگر خصوصیات نقش را داشته. مثل بعضی شلی‌ها، یا زن پوش‌ها، بعضی از زن پوش‌ها اساساً تمایلات زنانه داشته‌اند یا

تظاهر به آن می‌کرده‌اند، یا با تقلید لهجه‌های کاشی، قزوینی و نهاوندی خوشمزگی می‌کردند. و سر به سر اهالی آن شهرها می‌گذاشتند، و خصوصیات مشهور آنها را مستمسک خنده قرار می‌دادند.

این سبک و شیوه نظیر سبک و شیوه سایر نمایش‌های سنتی ما مثل تعزیه، نقالی، پرده‌داری و خیمه شب بازی، سرشار از رنگ، وزن، آهنگ و رمز و راز است و مجموعاً تمهید نمایش‌های سنتی ماست.

نقال با چه تمهیدی یک تنه حماسه پهلوانی را روایت می‌کند و نقش‌ها را مقابل چشمان ما مجسم می‌سازد. با چه جادویی در کلام، تصویرگری می‌کند و نگارستانی از چهره‌ها و صحنه‌های رزم و بزم را بر پرده خیال ما نقش می‌زند و دل ما را از ریختن خون‌های نابهنگام، تقدیر شوم و محتوم، ستیزه‌ها و مرگ‌های بیهوده، به درد می‌آورد؟

این جذابیت کار او، سوای استعداد و توانایی در شرح و بیان در شیوه و تمهید کارش نهفته است. شیوه و تمهیدی که در تعزیه هم می‌بینیم. البته در حیطة و میدان عمل دیگری، دنیای باور و اعتقاد، باوری عمیق. شمر هنگام به شهادت رساندن امام حسین (ع) خودگریه می‌کند.

این چه کیفیتی است؟!

مگر می‌شود عمق فاجعه و تراژدی را در یک نمایش آئینی بهتر از این نشان داد؟ و این از شیوه‌پردازی‌های تعزیه است. این روال نمایش‌های سنتی و آئینی ماست.

بازیگر تخت حوضی با چه جادویی تماشاگر عروسی را از سر شب تا صبح به خود مشغول می‌دارد و مسحور بازی و طنز و روایت می‌کند!

این چه افسونی است؟! این افسون استعداد و تمهید اوست.

تمهید و شیوه نمایش‌های سنتی ما، حاصل سالها تجربه و برخاسته از دل مردم است. این سبک و سیاق صادقانه و خود به خود، جوشیده و

خلق شده است.

شیوه نمایش‌های سنتی ما می‌تواند در تئاتر امروز مورد استفاده قرار گیرد. بازسازی شود و با زمان هماهنگ گردد. من در زمینه بازسازی شیوه نمایش‌های تخت حوضی سال‌ها کار کرده‌ام.

اولین تجربه‌ام در سال ۱۳۴۰ نمایشنامه "سیاه" بود که بارها روی صحنه و در تلویزیون اجرا شد و در کتاب تماشاخانه به چاپ رسید. در این نمایش بازیگران تخت حوضی را در پشت صحنه کارشان در "صورخانه" می‌بینیم.

پس از "سیاه"، نمایش "پهلوان کچل" را بر اساس "پهلوان کچلک" شیرازی که نوعی خیمه شب بازی است نوشتم و چند بار در تلویزیون نمایش دادم و در سال ۱۳۴۴ مجله سخن آن را چاپ کرد.

در سال ۱۳۴۴ نمایشنامه "امیر ارسلان" را هنگام فتح تالار "سنگلج" با همین شیوه، روی صحنه بردم.

"بنگاه تئاترال" کامل‌ترین کاریست که در این زمینه کرده‌ام. این نمایش در سال ۱۳۵۳ در شیراز، سرای مشیر روی تخت حوض این سرا، بازی شد. تماشاگران گرداگرد حوض و روی بام‌ها نشسته بودند و در پاییز همان سال در تهران در تالار سنگلج چند ماه روی صحنه اجرا شد.

کیفیت و محل اجرای بنگاه تئاترال در سرای مشیر، کار کاملی از یک نمایش سنتی تخت حوضی را ارائه کرد. نشر اندیشه این نمایشنامه را همراه متن سخنرانی در سمینار نمایش‌های شاد عامیانه که در سال ۱۳۵۶ برگزار شد، چاپ کرده است.

در زمینه نمایش‌های تخت حوضی، علاوه بر دیدن و تجربه کردن، تحقیق هم کرده‌ام و با بازیگران زبده و نام آوری مثل ذبیح الله ماهری، مهدی مصری، اکبر سرشار، ببرز سلطان‌ی و دیگران سال‌ها نشست و برخاست داشته‌ام و اطلاعات مفیدی از آن‌ها کسب کرده‌ام.

* _____ *

به تحول این هنر بیاندیشیم

علی اصغر دشتی

می‌بینیم که تمام این عناصر دارای شرایط خاص در آئین هستند. نمایش یک پدیده هنریست که قصد می‌کند برای ارتباط بیشتر با مخاطبین و هم‌نوعان خودش کاری را انجام دهد. انجام نمایش واجب نیست، اگر نمایش اجرا نشود تعدل حیات و تعادل روانی مشترک باید وجود داشته باشد، ما می‌توانیم از رویکردهای آئینی مثل نگرش به طرح صحنه، به حرکت و ... همه را در نمایش داشته باشیم اما غیر ممکن است بتوانیم که یک نمایش آئینی داشته باشیم. غیر ممکن است این دو پدیده در کنار هم وجود داشته باشد در عین حال که خیلی روی هم



به هم نمی‌خورد. اگر نمایش اجرا نشود تفکرات هنری و زیباشناسانه معیوب شده و به روح و آرامش روحی لطمه وارد می‌شود. من معتقدم که ما نمایش آئینی نداریم، بلکه نمایش با رویکرد آئین داریم. چرا که جمع این دو پدیده تقریباً در اکثر اوقات غیر ممکن هست. آئین به باور مشترک نیاز دارد بین گذارنده و شریک ولی مادر نمایش به باور مشترک به صورت واجب و ضروری نیازی نداریم. بلکه می‌توانیم بعد از اجرای نمایش به باور مشترک برسیم، اما در نمایش آئین قبل از اجرا باور تأثیر گذاشته‌اند و ترکیب شده‌اند گاهی اوقات نود و نه درصد یکدیگر را در خود دارند ولی هیچوقت به ۱۰۰٪ نمی‌رسند. در دایره آئین می‌تواند دایره نمایش جا بگیرد، در یک حیطة محدودتری، اما در دایره نمایش، آئین جا نمی‌گیرد زیرا حیطة اش بزرگتر است. در واقع بخشی از آن را در بر می‌گیرد نه همه را.

با توجه به اینکه بعد از دو بحث آئین و نمایش به تناثر می‌رسیم، لطفاً تفاوت نمایش و تناثر را

گفتگو با امیر دژاکام نویسنده و کارگردان مجلس سیاوش خوانی

آقای دژاکام لطفاً کمی در مورد نمایشهای آئینی و سنتی بفرمائید.

ما باید ابتدا تفکیک قائل شویم بین واژه نمایش و آئین. آئین یک کردار تام و تمام است که انجام آن برای گذارنده آئین واجب است چه در تفکرات شرک آلود، و چه در تفکرات مذهبی. گذارنده آئین معتقد است که انجام آئین در ادامه حیات او مؤثر خواهد بود و پس از انجام این آئین حیات او دچار تعادل می‌شود. پس بلافاصله متوجه می‌شویم که در آئین اعتقاد به فرجام عمل هم در گذارنده وجود دارد. هم در شریک، پس ما به جای بازیگر و تماشاگر، گذارنده و شریک داریم. آئین یک اتفاق زیبایی شناسانه نیست، یک اتفاق هنری نیست، یک پدیده هنری نیست، یک پدیده واجب جمعی است. که اجتماع و شخص برای تعادل حیاتش آنرا انجام می‌دهد. دسته‌ها و تقسیم‌بندی‌های گوناگون دارد. تا حتی رفتارهای اجتماعی روزمره هم بعضاً واجب هستند و اگر به انجام نرسد در شخصیت اجتماعی تأثیر دارد. در آئین ما تمام ویژگیها و عناصر نمایش را می‌بینیم، در آئین حرکت، ریتم، موسیقی، چهره‌پردازی، طراحی صحنه و لباس و ... را می‌بینیم، یک ایده و متن که باید از یک جا شروع شود و در یک جا تمام شود می‌بینیم، دیالوگ

بفرمائید.

اجازه بفرمائید. من اصلاً وارد این بحث نشوم. این تفاوتها را واگذار کنید به بزرگان که ضرورت آنرا حس می‌کنند. من اساساً دوست ندارم وارد این بحث شوم، زیرا بحثهای گوناگون تا بحال در این مورد صورت گرفته، و خود من هنوز نتوانسته‌ام آنها را بپذیرم. از آنجمله که مثلاً تئاتر به مکان دائم نیاز دارد نمایش نیاز ندارد، تئاتر به متن آماده شده نیاز دارد ولی نمایش ندارد. تئاتر نیاز به کارگردان دارد، نمایش ندارد. تئاتر نیاز به بازیگری دارد که قبلاً تمرین کرده باشد ولی نمایش ندارد. من اینها را نمی‌پذیرم. اعتقاد من بر این است که اصلی‌ترین تفاوتی که بین این دو پدیده وجود دارد، در بینش آنهاست، در نظام ارائه است. تئاتر نظام و سیستم خاص خود را دارد و تمام جزئیات خاص خود را دارد ولی به نظر بعضی‌ها نمایش این جزئیات و حساب و کتاب خاص خود را ندارد. من معتقدم که باید کار شود و استنتاج شود.

آقای دژاکام آیا به نظر شما نمایشهای سنتی ما باید به همان شکل سنتی خود باقی بماند؟

خیر، اما برای نگهداری یادگار به همان شکل خودش، بله، یعنی در یک بخش محدودی به صورت موزه‌ای همیشه باید اجرا شود. جواب سؤال شما برمی‌گردد به اینکه آیا هیچ وقت هنر تکرار می‌شود؟ شیوه‌ها و روشها دائم باید تغییر کند و تکرار غلط است، ما باید ببینیم آنها چه جور فکر کرده‌اند و بر چه اساسی عمل کرده‌اند، ما اساس را حفظ کنیم.

آیا در مورد نمایشهای سنتی ایرانی این اتفاق افتاده است؟

در بعضی از اشخاص بله و در بعضی از کارها

خیر. و نمی‌دانم، اینکه می‌گویم نمی‌دانم به این دلیل هست که من آشنایی کامل نسبت به تمام تئاتر ایران ندارم و همه را ندیده‌ام. این روزها باب شده است مثلاً دوستانی که بیست سال از تئاتر دور بوده‌اند می‌گویند ما تئاتر نداریم. ولی در بیست سال گذشته دو تئاتر همه ندیده‌اند، صراحت داشته باشید و جرأت داشته باشید. بگوئید من پنجاه تئاتر دیده‌ام و در مجموع اینگونه بوده. خیلی از اشخاص بوده‌اند که در سالهای قبل از انقلاب روی این پدیده کار کرده‌اند و موفق هم شده‌اند. بعد از انقلاب هم اشخاص در این باره کار کردند. فکر می‌کنم که واجب است تمام هنرمندانی که در این مقوله کار می‌کنند به تحول و دگرگونی این هنر هم بیاندهند.

آقای دژاکام در تحول و دگرگونی این نمایشها ممکن است از تئاتر غرب الگو گرفته شود نظر شما چیست؟

هیچ ایرادی ندارد، اگر این اصل را بپذیریم که فرهنگ امری جهانیست و اگر ما بتوانیم از فرهنگ جهانی به صورت مفید استفاده کنیم این به خودی خود هیچ ایرادی ندارد. باید ببینیم آیا مورد خاصی وجود دارد که فاقد ارزش باشد یا از جهت ریخت ارائه می‌کنند باشد. گاهی اوقات سیستمهای هنری همخوانی ندارند. یعنی به جهت هنری به وحدت نمی‌رسند، در اینجا کنار هم قرار دادن آنها غلط است. (البته فراموش نکنید که در هنر غیرممکن وجود ندارد) گاهی اوقات شما قصد دارید حتماً از روشهای ویژه استفاده کنید. این روشها شاید کارا نباشد. تو باید قدرت این را داشته باشی که از این روشها قویتر و برتر استفاده کنی. گاهی اوقات نیاز داری که وام بگیری. در مورد

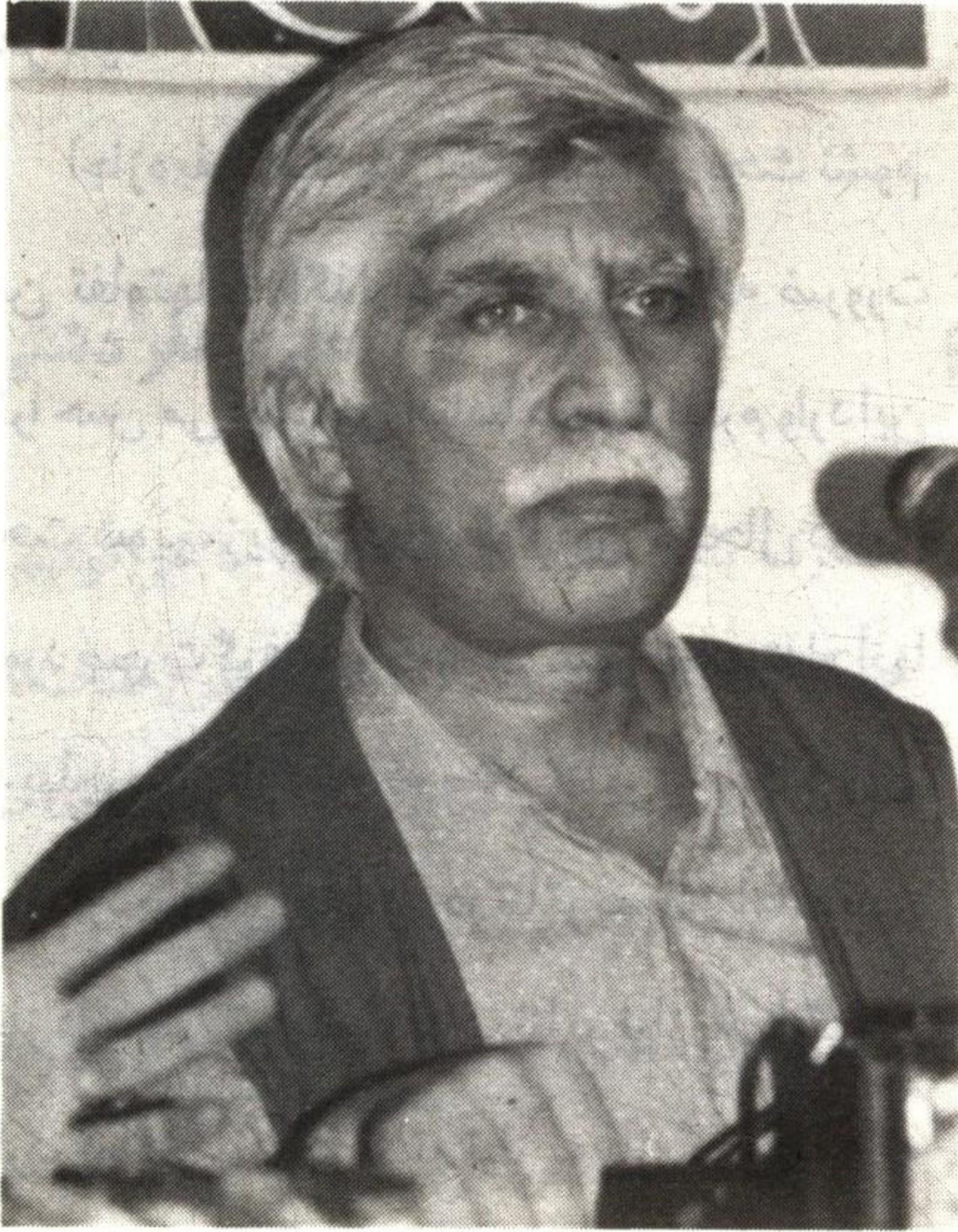
شکسپیر فکر کنم بروک می‌گوید که او دزدترین نویسنده است. معمولاً افراد خارق‌العاده و هنرمندان بزرگ وام‌دارترین افراد هستند. یعنی از تجربیات دیگران هوشیارانه و با زیرکی استفاده می‌کنند. فی‌نفسه این کار دارای اشکال نیست باید در لحظه ارزیابی شود.

آیا عملکردهای جدید مرکز هنرهای نمایش برای جلوگیری از افول هر چه بیشتر این نمایشها مفید است؟

قطعاً مفید است. اما در کنار همه این همایشها و نمایشها باید گروههایی به صورت کارگاهی شروع به کار کردن روی این امر کنند. تئوری و سخنرانی و کتاب خوب است، بشرطی که عمل در کنار آن باشد.

* ————— *





شالوده شکنی بهرام بیضائی

علیرضا احمدزاده

به مناسبت اجرای نمایش غروب در دیاری غریب در جشنواره

بهرام بیضائی در نگارش بعضی از نمایشنامه‌های خود از روش‌های نمایش خیمه شب بازی استفاده کرده است اما این نگارش/توأم با نوآوری و نگاهی جدید بوده است. از مجموعه نمایشنامه‌های وی "سه نمایشنامه عروسکی"، شامل: "عروسکها"، "غروب در دیاری غریب" و "قصه ماه پنهان" به روش خیمه شب بازی نگاشته شده‌اند. امسال در جشنواره نمایش‌های آئینی و سنتی نمایشنامه "غروب در دیاری غریب" حضور دارد به همین دلیل ضمن بررسی نمایش‌های خیمه شب بازی، این اثر بیضائی را نیز مورد توجه قرار می‌دهیم.

اصولاً سابقه نمایش‌های عروسکی در ایران به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد، اما مدرکی مستند در این باب در دسترس نیست فقط روایات متعددی در صحت این موضوع به دوران بهرام گور اشاره دارد که شش هزار دوره گرد یا کولی از هندوستان به ایران آمدند و بازیهای عروسکی را که یکی از سرگرمیهای عمومی آنان بود به ایران آوردند.

اما بعد از یک دوره چند صد ساله که دیگر هیچ سندی در ادامه روند نمایش عروسکی در ایران یافت نمی‌شود. در قرن پنجم هجری، شاعران از واژگانی که می‌توان پی به اجرای نمایش‌های عروسکی برد، استفاده می‌کنند کلماتی از قبیل "لعبت باز"، "خیال باز" و "شب بازی" از اینگونه‌اند؛ اما خیمه شب بازی را از دوران صفویه ردیابی کرده‌اند. ژان شاردن سیاح در

سیاحتنامه خود اشاره به خیمه شب بازی در اصفهان کرده است. خیمه شب بازی پنج عروسک ثابت داشت، یا نمایش با نخ و ریسمان انجام می‌شد و یا به شکل دستکشی به اجرا در می‌آمد که نوع دستکشی آن به پهلوان کچل یا پهلوان کچلک معروف است. شباهت این نوع نمایش با نمایش "کوو" Kvo چین، "قره گوز" ترکی، "ماکوس" Maccus آتلانها، "پولچینلا" Pulcinella ایتالیائی، "پولیشینل" Polichinelle فرانسوی، "پانچ" Punch انگلیسی و "پتروشکا" Petrouchka روسی بسیار نزدیک است. پهلوان کچل هم مانند اینان کوتاه قد، کچل، قوزی که مردیست شکمبار، زیرک، رند، نیرنگ باز و لذت طلب حکایت از تأثیرات متقابل نمایش عروسکی در میان ملل مختلف دارد.

اما شخصیت اصلی خیمه شب بازی با نخ و ریسمان، سیاه است که عموماً مبارک شناخته می‌شود و دو شخصیت مطرح دیگر پهلوان و دیو هستند. شالوده شکنی بیضائی از صفحه اول نمایشنامه‌اش آغاز می‌شود. در نمایش "غروب در دیاری غریب" در معرفی اشخاص نمایش آورده است: دختر، پهلوان، سیاه، دیو و مرشد. اینکه مرشد را از دیگران جدا گذاشته در انتهای نمایش معلوم می‌شود در واقع دیو حقیقی نمایش "غروب در دیاری غریب" مرشد است.

دیو نمایش، مردی است که چهره زشت و سیاهی دارد اما معرفت و انسانیت‌اش پهلوان نمایش را غافلگیر می‌کند. در لحظه برخورد پهلوان با دیو، در حالیکه پهلوان خواب است دیو او را به آرامی بیدار می‌کند و تصور اینکه دیو می‌بایست در خواب، پهلوان را می‌کشت عملی

نمی‌شود، در ابتدا پهلوان از هویت وی سؤال می‌کند. بیضائی ابتدا با نام مرد، دیو را معرفی می‌کند و بعد از کلمه دیو استفاده می‌کند. اما معرفی اولیه، ماهیت حقیقی وی و معرفی دوم وی صرفاً برای جلو بردن نمایش آمده است. بین سخنان دیو و پهلوان، مرشد آتش‌بیار معرکه است اما در اهداف پلید خود ناکام می‌ماند.

دیو نمایش بیضائی، مردیست که خلاف قواعد زندگی عمل کرده است. وی مخالف قصه‌های کهنه و دشمن نقل‌های خواب‌آور است او با تفتیش، سر ستیز دارد و بیداری را اصل مهمی برای زندگی همگان برمی‌شمرد.

شخصیت مرشد نیز دارای ابعاد تازه‌ای است از ابتدا با یک اعتراف تماشاگران را غافلگیر می‌کند در ابتدای نمایش می‌گوید «... بازیگری که می‌خواهد به راهی برود اما نخها به راه دیگرش می‌برند. و بازیگری که سرگردان می‌ماند، بین اینهمه نخها و راهها؛ ...» و یا «... این قصه غیر از همه قصه‌هاست. این پرده است. و این پرده بسته است. پشت هر پرده قصه‌ای می‌گذرد، و قصه ما پشت این پرده می‌گذرد.»

با شالوده شکنی بیضائی، قابلیت‌های نهفته در نمایش‌های سنتی، که با نیازهای زمان همسو شود الگویی ارزشمند به دست اهل پژوهش و نگارش می‌دهد.

تلفیق نقالی و تعزیه

گفتگو با آقای عبدی کارگردان نمایش خیابانی تجربه‌ای بر مجلس علی اکبر



◆ ضمن معرفی خودتان کمی در مورد نمایشهای آئینی و سنتی بفرمائید.

من عباس عبدی و در این جشنواره برای اولین بار است که شرکت می‌کنم. من فکر می‌کنم نمایشهای آئینی و سنتی نمایشهایی است برگرفته از آئینهایی که در دل شهرهای کوچک و بزرگ است و هیچ آموزشهای کلاسیکی در این رابطه داده نشده، و به طور کلی برگرفته از مسائل بومی شهرستانها و روستاهاست که نمایشی را بر حسب محیط جغرافیائی به اجرا می‌گذارند.

◆ این نمایشها چه ویژگیهای خیابانی دارند؟

اگر دقت کنید این گونه نمایشها در روستاها و شهرستانهای ما هم به صورت خیابانی و میدانی اجرا می‌شوند. در هیچ روستایی سالن نمایش وجود ندارد. اصلیت این نمایشها خیابانی است. من فکر می‌کنم به این جنبه‌های میدانی و خیابانی بیشتر باید پرداخته شود.

◆ آقای عبدی نمایش خود شما که در جشنواره شرکت می‌کند کدامیک از ویژگیهای آئینی و سنتی و خیابانی را دارد؟

این نمایش، نمایشی از انجمن نمایش شهر ری است. و شهر ری که یک شهرستان مذهبی است و در این شهرستان تعزیه نسبت به بعضی از شهرستانهای دیگر بیشتر کار شود. ما هم با استفاده از تعزیه‌هایی که اجرا می‌شود یک کار تعزیه را اجرا می‌کنیم. اسم این نمایش تجربه‌ای بر مجلس علی اکبر است که تلفیقی از نقالی و تعزیه است.

◆ آقای عبدی می‌گوئید نمایشهای صحنه و تئاترهای صحنه‌ای با یکدیگر متفاوتند، آیا نمایشهای خیابانی و تئاترهای خیابانی هم با یکدیگر متفاوتند؟

تئاتر یکسری اصول کلاسیک و تئوری دارد ولی نمایش همانطور که از اسمش معلوم است چیز کلاسیک در آن وجود ندارد و از یکسری آئینهای محلی گرفته شده. من فکر می‌کنم فرقی در همین اصول کلاسیک است.

◆ آقای عبدی با توجه به عملکردهای مرکز هنرهای نمایشی و کانون نمایشهای خیابانی چه راه حلی برای ترویج نمایشهای آئینی و سنتی در این بخش دارید؟

من فکر می‌کنم با توجه به این معضلی که در کشور در رابطه با تئاتر یعنی کمبود سالن نمایش روبرو هستیم، اگر به تئاتر خیابانی بیشتر بها داده شود هم اینکه خود مردم تشویق می‌شوند برای تماشای این نمایشها و هم مسئولین توجه بیشتری به این کارها خواهند کرد.

ع.د.

مسابقه نقالی

کانون نمایشهای سنتی و آئینی برای نخستین بار کارگاههای نقالی را برای آموزش نقالان جوان در تابستان سال ۷۷ راه‌اندازی کرد و با استقبال فراوان دوستداران این هنر سنتی روبرو شد. گروهی از این جوانان علاقه‌مند که طی دوره‌های مختلف در این کارگاهها فوت و فن نقالی را از استاد ولی‌الله ترابی آموختند، آمادگی خود را برای داستانسرایی به این شیوه در حضور جمع اعلام کرده‌اند. به این ترتیب در دهمین جشنواره نمایشهای سنتی و آئینی بخش خاصی به مسابقه میان نقالان جوان اختصاص یافت. جالب این است که بدانید با سامان گرفتن این کارگاه، هنر «نقالی» از انحصار مردان خارج شده و زنان نیز به آموزش قصه‌گویی به این شیوه پرداختند. به این ترتیب اسامی متقاضیان در این مسابقه را به دوستداران هنر نمایش اعلام می‌کنیم تا بعد از ظهر روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ تیرماه در سالن شماره ۲ تئاتر شهر شاهد هنرنمایی آنان باشند.

اسامی متقاضیان شرکت در مسابقه نقالی

- ۱- محمد آقا محمدی
- ۲- وحید ترحمی مقدم
- ۳- مینا صارمی
- ۴- رضا پاپی
- ۵- داریوش بزرگی
- ۶- ساسان مهرپویان
- ۷- محمدرضا غفاری
- ۸- مریم لشکری
- ۹- مهدی سعادت‌پور
- ۱۰- شیرین امامی
- ۱۱- شبنم ظهیرالدینی
- ۱۲- سحر غمخوار
- ۱۳- بانینانی
- ۱۴- محمدرضا کوهستانی

جشنواره محل برخورد اندیشه‌ها و تبادل تجربه‌هاست

سید وحید ترحمی مقدم

نوشته: مهدی ممیزان

له مرده خور «گروه تئاتر اصفهان فیلم».

برداشتی از نمایش «ولین» اثر «بن جانسن».

تنظیم‌کننده: «مهدی ممیزان»

له سلطان مبدل «کاشان»:

نوشته: داود فتحعلی‌بیگی، کارگردان:

نصرت‌اله زمانپور

له میرزا عبدالمطع و جنگ جهانی «ساری»:

نوشته: داود فتحعلی‌بیگی، کارگردان: محمد جونیان

له جیجک علیشاه «گرگان»:

کارگردان: عطاء صفرپور

له آقا مقبوله «اصفهان فیلم»:

نوشته: مرحوم غلامحسین سرکوب،

ویرایش: اسکندر رفیعی

له کمندی خبردار «تهران»:

کارگردان: بهاء‌الدین صفری

له شب امتحان «تهران»:

نویسنده و کارگردان: بهاء‌الدین صفری

له شهر وارونه «تهران»:

نوشته و کار: جواد انصافی

له کوزه شکسته «تهران»:

نوشته و کار: حسن عظیمی

* به مناسبت نخستین جشنواره نمایش‌های سنتی و آئینی از یکم لغایت دوازدهم فروردین ماه سال ۶۸ نمایشگاه «پوستر و عکس» گروه‌های سنتی در محل تالار وحدت برگزار شد که ورود برای عموم آزاد بود.

* بولتن، توسط انتشارات نمایش به صورت کتابچه‌ای ۵۶ صفحه‌ای، انتشار یافت که شامل مقالات زیر بود: نمایش تخت حوضی و امور اجرائی نمایش‌های تخت حوضی «علی نصیریان»، گریز در نمایش‌های سنتی «داود

به منظور حفظ و اشاعه نمایش‌های سنتی و آئینی و شناخت ریشه‌های ناشناخته هنر سنتی و آئین این مرز و بوم، که ریشه در سنت و آئین‌های بجا مانده داشته و نقل سینه به سینه آن، درماندگاری این اعتقادات و باورها، تا رسیدن به سبک و سیاق امروزی‌اش نقش عمده و قابل لمس داشته است. اولین جشنواره نمایش‌های سنتی و آئینی، با همت کانون نمایش‌های سنتی و آئینی در تهران شکل گرفت تا جایگاهی برای ماندگاری این هنر باشد.

رجوع به نمایش‌های سنتی و آئینی «تخت حوضی، تعزیه و...» و تدوین قانونمند کردن آن، در شکل‌گیری تئاتر با شکل و سیاق امروزی، می‌تواند پایه و اساس حفظ و اشاعه این نوع از نمایش و خرده‌نمایش‌های موجود در گوشه کنار این مرز و بوم با آئین‌های متفاوت و مشابه باشد. آئین‌ها و نمایش‌هایی بجا مانده‌ای که صرف‌نظر از ارزش تاریخی و به جا ماندنی اسناد آن، فاقد هر گونه موارد تشریحی، در شیوه‌های اجرائی آن است که رهگشائی در جهت نمونه‌سازی آنها نمی‌گردد و در اکثر موارد ناگزیر باید فعل خواستش را از خاطر ضمیر پاک کرده و به فراموشی و محو آن در آینده‌ای نزدیک باور داشت. اما اشکالی که هنوز کاربرد دارند و در میان مردم باور کردنی‌اند باید حفظ شود، چه بسا که در صحنه‌ای از هنر نمایش ما اثری مثبت داشته باشد.

نخستین جشنواره نمایش‌های سنتی

تهران ۵ تا ۱۲ فروردین ۱۳۶۸

له بقال بازی «رمال و عطار» «گروه تئاتر

اصفهان فیلم»:

برداشتی از نمایش‌های سنتی

له هفت‌سین «گروه تئاتر اصفهان فیلم»:

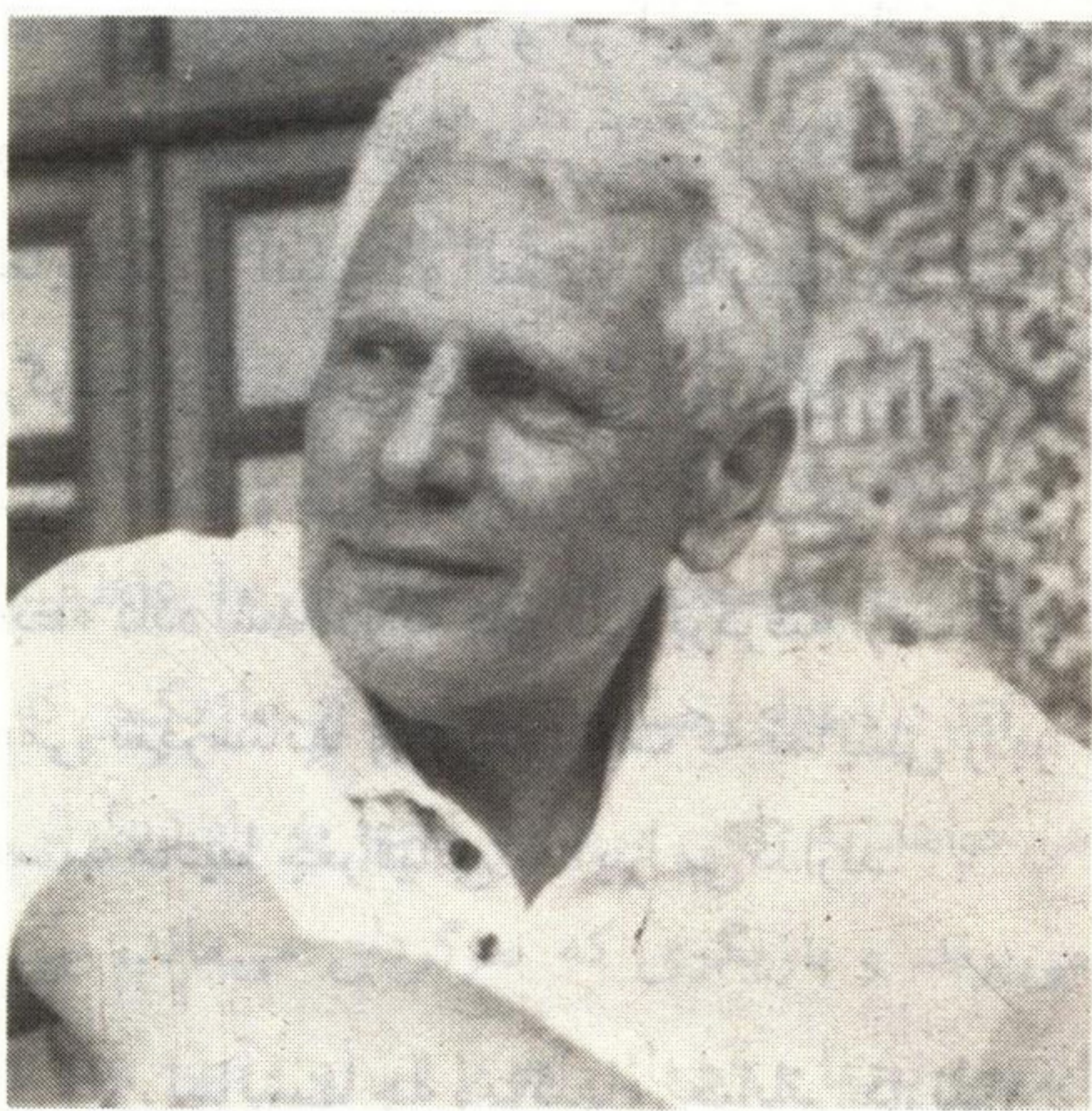
فتحعلی‌بیگی»، سیاه باز چه کسی است؟، سکوت سیاه بر صحنه، شیرین کاری‌های سیاه جذاب است، من با شادی دیگران شادم، مردم سیاه‌بازی می‌خواهند و واژه‌های نمایش سنتی.

* _____ *

سخنرانی

پروفسور چلکوفسکی

پروفسور پیتر چلکوفسکی استاد شرق شناس دانشگاه نیورک و از بزرگترین پژوهشگران تعزیه در جهان که به دعوت مرکز هنرهای نمایشی جهت شرکت در همایش تعزیه معاون الملک به ایران سفر کرده است در نخستین روز برگزاری مجتمع بزرگ نقالان در دهمین جشنواره سنتی و آئینی سخنرانی خواهد کرد.



این سخنرانی در ساعت ۹/۳۰ تا ۱۳ صبح در تالار شماره ۲ تئاتر شهر برگزار خواهد شد. و استاد چلکوفسکی در این جلسه پیرامون داستان " بررسی تطبیقی توراندخت پوچینی و نقالی ایران " صحبت خواهد کرد.

* _____ *

جدول دهمین جشنواره نمایشهای سنتی و آئینی

۱۰ تا ۱۶ تیر ماه ۱۳۷۸ - مجموعه تئاتر شهر و تالار هنر

تالار هنر ساعت ۱۹، ۱۸	فضای تئاتر شهر تعزیه - ساعت ۲۱	سالن شماره دو بعد از ظهر ۱۷-۲۰	سالن شماره دو صبح ۹/۳۰-۱۳	تالار سایه ساعت ۱۸ و ۲۰	سالن چهارسو ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹	سالن اصلی ساعت ۱۹	زمان
خیمه شب بازی استاد اصغر احمدی	گروه تعزیه استان اصفهان			غروب در دیاری غریب نادر شهسوار شیراز	سیاه بازی زنجیر عدالت عباد الله کریمی	سیاوش خوانی امیر ذاکام	
خیمه شب بازی رضا خیمسهای	مجلس حضرت ابوالفضل (ع) گروه تعزیه کوککان اراک	تقالی مسابقه تقالی بیت خوانی	تقالی (مرشد ترابی) سخنرانی بزرگسور چاکر فسکی حکایت خوانی	مخمصه امیر آبتانی	شبی از شهبای هراز و کشب کاظم عبیری تنگابن	سیاوش خوانی امیر ذاکام	جمعه ۱۱ تیر ماه
خیمه شب بازی سیاوش ستاری	تعزیه سلمان فارسی رضا جیدری تفرش	شاهنامه خوانی باسج - تهران مسابقه تقالی	شاهنامه خوانی و تقالی (با موسیقی) باسج، رودچون، تهران، فارسان	گیودار پهلوان قاسم امین بیطرف شیراز	آبی که ماهی خورد وحید عوض زاده	سلطان و سیاه علی نصیریان	شنبه ۱۲ تیر ماه
خیمه شب بازی زهرا صبری	رزم بویوک علاءالدین قاسمی	منظومه خوانی مسابقه تقالی گندمان، اردبیل، آذربایجان	منظومه خوانی (با موسیقی) اردبیل، آذربایجان، گنبدکادوس	سیاوش گل بدن حسین سرچاهی	فانتازیکه حسین کرلانی طاهر	سلطان و سیاه علی نصیریان	یکشنبه ۱۳ تیر ماه
خیمه شب بازی ربیعی	جنگ خندق هاشم فیاض	تقالی و پرده خوانی شاهنامه مسابقه تقالی مدان، گرگان، آذربایجان، رودز	تقالی و پرده خوانی شاهنامه (با موسیقی) گرگان، آذربایجان، مدان، الیزگرد	واراس محمد نوروزی رامهرمز	مهره مار سید یونس آسپالان	مجلس ماهان منوچهر یاری	دوشنبه ۱۴ تیر ماه
خیمه شب بازی استاد اصغر احمدی	به چاه انداختن حضرت یوسف احمد عزیز	تقالی (با موسیقی) بهشهر، علی آباد کول	تقالی (با موسیقی) ساری، بهشهر، علی آباد کول	ماه گرفته وحید لک	سیاه بازی پستو خانه حمید امجد	مجلس ماهان منوچهر یاری	سه شنبه ۱۵ تیر ماه
مراسم اختتامیه - ساعت ۷ بعد از ظهر - تئاتر شهر							چهارشنبه ۱۶ تیر ماه

